

تکرار تاریخ شکست خورده کشف حجاب این بار در آذربایجان

هر روز زنان و دختران بیشتری
به پوشش همبستگی با دانش آموزان محجبه آذربایجان می پیوندند

این بار در آذربایجان تاریخ تکرار می شود همان تاریخی که یک بار در دوران رضاخانی چادر و روسری را از سر زنان و دختران ایرانی کشید و با مقاومت و ایستادگی مادران ما برای حفظ حجابشان در آن دوره مواجه شد. درست در همان دوران آتاتورک هم در ترکیه با فرمان کشف حجاب کوشید تا چهره اسلامی این کشور را بزدايد؛ افرادی که نامشان در تاریخ به عنوان چهره هایی دیکتاتور ماندگار شد و در نهایت هم جامعه ترکیه و هم جامعه ایران اصالت و باورهای عمیق اسلامی شان را حفظ کردند. حالا هم نوبت علی اف رسیده تا با ممنوعیت حجاب در مدارس آذربایجان و ممناعت از تحصیل دختران محجبه برای دین زدایی از این کشور مسلمان تلاش کرده و نام خود را به عنوان یکی از دیکتاتورهایی که برای تغییر ساختار کشورش باورها و پایه های دینی آن را متزلزل کرده در تاریخ ماندگار نماید. در برابر این اجبار به کشف حجاب و ممناعت از ورود دانش آموزان محجبه به مدارس آذربایجان، مردم این کشور برای اعلام همبستگی با دانش آموزان محجبه، پوششی برای حجاب راه انداخته اند و زنان و دخترانی که باور و التزامی به حجاب ندارند هم برای اعلام همبستگی با هموطنان، همشهریان و همکلاسی های محجبه خود، روسری سر می کنند و حجاب می گذارند. هر روز تعداد بیشتری از زنان و دختران این کشور به پوشش همبستگی حجاب می پیوندند. آذربایجان و منطقه قفقاز پاره تن ایران بودند؛ پاره تنی که جنگ های ایران و روسیه و عهدنامه های ننگین گلستان و ترکمنچای موجب تجزیه کشور و جدایی این مناطق از ایرانمان شد. با وجود این، هنوز هم الفت و محبتی عمیق میان مردم این سرزمین با مردم ایران جاری است؛ مردمی که نه فقط فرهنگ و قومیت و حتی زبان مشترک با بخش های داخلی آذربایجان در کشور، بلکه باورهای مذهبی و اعتقادات مشترک آنچنان آنها را در هم تنیده است که هنوز هم یک جورهایی این بخش جدا شده از کشورمان برای ما پاره تن محسوب می شود، حتی اگر به جبر تاریخ و سیاست و دشمنی ورزی دشمنان از ایران جدا شده باشد.

■ **جامعه ای با اکثریت مسلمان و شیعه**
جامعه جمهوری آذربایجان، جامعه ای با اکثریت قاطع مسلمان و جمعیتی قابل توجه از شیعیان است. بر اساس گزارش کمیسیون ایالات متحده درباره آزادی بین المللی مذاهب (USCIRF) در سال ۲۰۲۴، حدود ۹۶ درصد جمعیت این کشور مسلمانند که از این میان، حدود ۶۵ درصد شیعه و ۳۵ درصد سنی هستند. نکته تأمل برانگیز آن است که قانون اساسی جمهوری آذربایجان، ضمن تصریح بر سکولار بودن حکومت، در اصول مربوط به آزادی وجدان و برابری شهروندان، آزادی انتخاب و ابراز باورهای دینی را نیز به رسمیت می شناسد.

حالا الهام علی اف، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان، با اجرای مقررات جدید پوشش در مدارس دولتی از ورود دانش آموزان محجبه به کلاس درس ممناعت می کند.

این دستور علی اف در راستای سکولار سازی هر چه بیشتر حاکمیت آذربایجان با موجی از اعتراض ها درباره محدودیت حجاب اسلامی در مراکز آموزشی روبه رو شده است.

■ **ممنوعیت ورود دانش آموزان محجبه به بهانه لباس متحدالشکل**

دولت جمهوری آذربایجان در ۲۱ سپتامبر اصلاحاتی را در مقررات لباس متحدالشکل مدارس تصویب کرد که اگرچه در آن ممنوعیت حجاب به صراحت ذکر نشده، پوشیدن لباس هایی را که مغایر با اصل سکولاریسم در نظام آموزشی تشخیص داده شوند، ممنوع می کند. این مقررات در پی فرمان علی اف درباره لباس متحدالشکل در مؤسسات آموزشی دولتی وضع شده و اجرای آن در برخی مدارس به جلوگیری از ورود دانش آموزان و معلمان محجبه انجامیده است.

■ **اعتراضات گسترده در آذربایجان**
اجرای این مقررات به اعتراض دانش آموزان در شماری از مدارس و تجمع مخالفان در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان منجر شده است. برخی دانش آموزان در حمایت از همکلاسی های محجبه خود از حضور در کلاس ها خودداری کرده اند و گزارش هایی نیز درباره درخواست از معلمان محجبه برای برداشتن حجاب منتشر شده است. به گزارش رسانه مستقل روسی زبان مدوزا در ۱۲ اکتبر، به نقل از رسانه های محلی و وزارت کشور جمهوری آذربایجان، از بازداشت ۳۷ نفر در ارتباط با اعتراض ها خبر داد. این تحولات در کشوری با اکثریت جمعیت مسلمان، بحث درباره تعارض احتمالی میان سیاست سکولار دولت و آزادی مذهبی را تشدید کرده است.

■ **اعتصاب دانش آموزان و اولیا**
تصاویر و ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی طی روزهای اخیر حاکی از آن است که دانش آموزان و اولیای آنها در نقاط مختلفی از باکو و مناطق حومه ای دست به تجمع و اعتصاب زده اند. در مدرسه شماره ۳۲۲ باکو، دانش آموزان با تجمع در ورودی مدرسه خواستار باز شدن درها به روی دختران محجبه شدند. در موارد مشابه، ویدیوهایی از مدرسه شماره ۶۹ باکو، مدرسه روستای مولایوا در منطقه ماسالی، و مدرسه شماره ۹ در منطقه جلیل آباد منتشر شد که نشان می دهد همکلاسی ها در اقدامی حمایتی، از ورود به کلاس های درس خودداری کرده و با دانش آموزان محجبه اعلام همبستگی کرده اند. در شهر کوهکلی نیز خانواده ها تهدید کرده اند که در اعتراض با این رویه، حتی فرزندان پسر خود را نیز به مدرسه نخواهند فرستاد.

■ **فشار به معلمان محجبه**
فشار های جدید تنها متوجه دانش آموزان نبوده است، بلکه پس از



ممنوعیت حجاب اعتراض!« و «اطلاعت از فرمان خدا، اطاعت!» به زبان های فارسی، انگلیسی، عربی و آذری در دست داشتند و با شعارهای «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سیاست های اسرائیلی حکومت آذربایجان را در مقابله با اقامه احکام الهی محکوم کردند.

■ **سیاست های ناموفق**
بازخوانی تاریخی کشف حجاب اجباری در کشورهای ایران و ترکیه حکایت از ناموفق بودن چنین سیاست هایی دارد.

ممنوعیت حجاب در ترکیه ریشه در دوران بنیانگذاری جمهوری ازسوی آتاتورک داشت، اما به شکل نظام مند و دو مرحله ای از طریق

کودتاها ی نظامی شدت گرفت. مرحله نخست با کودتای سال ۱۹۸۰ و به بهانه جلوگیری از نفوذ اسلام گرایی در ساختار قدرت آغاز شد که طبق آن ورود زنان محجبه به ادارات دولتی ممنوع شد. مرحله دوم، بسیار سنگین تر بود و با کودتای سال ۱۹۹۷ صورت گرفت. در این دوره، نه تنها حضور زنان محجبه در دانشگاه ها و مشاغل دولتی با محدودیت شدید روبه رو شد، بلکه نهادهای آموزشی مذهبی نیز تحت فشار قرار گرفتند تا سکولاریسم در تمامی سطوح جامعه تثبیت شود.

با تغییر فضای سیاسی و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، روند لغو این محدودیت ها آغاز شد. در سال ۲۰۱۰ میلادی، با اصلاح قانون



اساسی و برگزار ی همه پرسی، محدودیت های حجاب در نهادهای دولتی از میان رفت و در سال ۲۰۱۳ نیز نخست وزیر وقت، لغو کامل این ممنوعیت را اعلام کرد. این مسیر تحولی با وقایع نماندین، نظیر حضور اولین زن پلیس محجبه در مراسم رسمی نظامیان در سال ۲۰۱۶، به نقطه بازگشت آزادی پوشش در عرصه های عمومی و رسمی ترکیه رسید. بنابراین، این سیاست همواره نتیجه معکوس داشته است، چراکه مداخله در باورهای بنیادین و خط قرمزهای فرهنگی هر ملت، تنها به تقویت مقاومت در برابر تغییر و بازگشت قدرت مند آن هویت ها می انجامد.

■ **نسبت سیاست های سکولار یستی با ایده گلوبالیست ها**
دولت جمهوری آذربایجان، مقررات جدید را با استناد به سکولاریسم و ضرورت یکسان سازی پوشش مدارس توجیه می کند، اما اجرای این سیاست می تواند گروهی با دانش آموزان مسلمان و محجبه را از درس خواندن و ادامه تحصیل باز دارد و به نوعی منجر به گسترش نابرابری و تبعیض در کشور می شود. علاوه بر این در عملکرد دولت آذربایجان با تناقض میان ادعای دفاع از آزادی و محدود کردن انتخاب های فردی مواجهیم. سیاست دولت علی اف زمانی محل نقد جدی قرار می گیرد که سکولاریسم نه به عنوان تضمینی برای همزیستی باورهای گوناگون، بلکه به عنوان ابزاری برای محدود کردن حضور اجتماعی افراد دیندار به کار گرفته شود. در لایه ای عمیق تر از این ماجرا، باید به نسبت سیاست های سکولار یستی با ایده گلوبالیست ها توجه کرد. حکامی که توسعه و پیشرفت را در گروی فاصله گرفتن جامعه از ارزش ها، نمادها و باورهای دینی معرفی می کنند، عملاً زمینه تضعیف هویت فرهنگی و اعتقادی مردم را فراهم می کنند. پس نمی توان این پرسش را نادیده گرفت که تضعیف هویت های دینی و ملی چه منافع ی برای قدرت هایی دارد که در پی گسترش نفوذ سیاسی و فرهنگی خود هستند؟ جامعه ای که پیوند خود را با ریشه های اعتقادی و تاریخی اش از دست بدهد، در برابر آغویهای تحلیلی و سیاست های سطه جویانه آسیب پذیر تر می شود. آنچه در آذربایجان می گذرد، تنها مسئله حجاب نیست؛ مسئله نسبت قدرت و آزادی، هویت و کرامت، عدالت و مسئولیت اجتماعی است. همچنین نگاهی به رویدادهای مشابه در گذشته، از جمله بازداشت فعالان سرشناس این حوزه نظیر ایگل سلیمانف در سال ۲۰۱۱، نشان می دهد که رویکرد سلبی دولت در مواجهه با موضوع حجاب دارای پیشینه ای امتی است.

■ **کارنامه سیاست خارجی علی اف**
کارنامه سیاست خارجی الهام علی اف زمینه طرح پرسش هایی درباره نسبت استقلال سیاسی جمهوری آذربایجان با روابط راهبردی این کشور با قدرت های خارجی را فراهم می کند. گسترش همکاری های نظامی و امنیتی با اسرائیل و روابط نزدیک با برخی قدرت های غربی، در کنار سیاست های داخلی دولت باکو در قبال نمادهای دینی، این پرسش را پیش می کشد که آیا الگوی توسعه مورد نظر علی اف، به تقویت استقلال فرهنگی و سیاسی جامعه می انجامد یا آن را به سمت آغویهای مطلوب شرکای خارجی سوق می دهد؟ از این منظر، مسئله فقط تصمیم یک دولت درباره پوشش دانش آموزان نیست، بلکه نسبت میان استقلال سیاسی، هویت دینی و الگوی حکمرانی نیز مطرح است. دولتی که در عرصه خارجی به همکاری های گسترده با قدرت های اثر گذار متکی است و در عرصه داخلی نشانه های دینداری را محدود می کند، باید پاسخ دهد که چگونه میان الزامات همکاری بین المللی و حفظ هویت تاریخی و فرهنگی جامعه توازن برقرار می کند.

خانواده نقشی محوری دارند و اهمیت باورها و عقاید یک زن در خانواده بسیار بالاتر از مرد است. باورهای یک زن می تواند روی تک تک اعضای خانواده تأثیر گذاشته و زیربناهای اعتقادی آنها را بسازد. همین مسئله موجب می شود تا در طول تاریخ شاهد آن باشیم که مادران مؤمنه فرزندان ی مؤمن و با اعتقاد تربیت می کنند، حتی اگر مرد خانه فرعون باشد زن مؤمنه ای چون آسیه می تواند موسی را در دامش پرورش دهد!

از سوی دیگر حجاب نخستین نمادی است که می تواند یک زن مسلمان و مؤمن را از یک خانم غیرمسلمان متمایز کند، بدون آنکه کلامی رد و بدل شده یا نشانه دیگری نیاز باشد. این شاید اصلی ترین دلیلی باشد که در جوامع مختلف مانند کشور آذربایجان، کشور فرانسه یا سایر کشورهایی که با حجاب و نمادهای اسلامی مبارزه می کنند و در راستای پروژه اسلامهراسی و اسلام زدایی حرکت می نمایند، نخستین چیزی که مورد هجوم قرار می گیرد، حجاب زنان و دختران است. یقیناً زن محجبه بدون اینکه هیچ کار اضافی بکند، فقط با همان پوشش و حجابش در جامعه مبلغ دین اسلام خواهد بود. در واقع حجاب همچون پرچمی است که اسلام و مسلمانی را در



چرا در کشور مسلمانی همچون ایران با ریشه های عمیق باورها و عقاید مذهبی و همچنین پایه های تمدنی سترگی که حجاب و پوشش را برای زن در نقش نگاره های باستانی به تصویر می کشد، همچنان درگیر پروژه ها و برنامه ریزی های دشمن برای کشف حجاب و اسلام زدایی از زنان قرار دارد؟ برای پاسخ به این سؤال شاید باید به سراغ نقش متفاوت زن و مرد در خانواده و جامعه برویم. واقعیت این است که زنان در جامعه و

هجمه به آشکارترین نماد مسلمانی

در ترکیه هم اگرچه آتاتورک در اجرای پروژه کشف حجاب و اسلام زدایی نسبت به ایران موفق تر عمل کرد اما در نهایت باورهای عمیق و ریشه دار مردم مسلمان این کشور، موجب شد تا حجاب دوباره به یکی از اصلی ترین انتخاب های زنان و دختران ترکیه ای تبدیل شود و امروز در جامعه ترکیه همچنان شاهد حضور زنان و دختران محجبه هستیم. روندی که روز به روز با اقبال بیشتر زنان و دختران مواجه می شود تا اثبات کند پروژه هایی که به نبرد با فطرت الهی انسان برمی خیزد، نهایتاً محکوم به شکست خواهد بود. اما بازگردیم به سؤال نخست، چرا حجاب نوک پیکان هجمه غرب به زن مسلمان و مرحله نخست اسلام زدایی از جوامع به شمار می آید؟ چرا در ایران، ترکیه، آذربایجان و دیگر کشورهای مسلمان تلاش می شود تا به تناسب شرایط اجتماعی با پروژه های گوناگون حجاب را از روی سر زنان مسلمان براندازد؟

سطح جامعه فریاد می زند و شعار «قومو لله» را بی آنکه کلامی رد و بدل شود به زیباترین شکل ممکن به تصویر می کشد. از نسوی دیگر آرامش و امنیتی که حجاب به زنان هدیه می کند، موضوعی است که موجب شده در کشورهای غربی حتی زنان غیرمسلمان هم به سمت و سوی حجاب گرایش پیدا کنند و همین مسئله از پروژه های اسلامهراسی و اسلام ستیزی را در دل دنیای غرب با شکست مواجه کرده و هراس از گسترش اسلام را به دل آنها انداخته است. دینی که اگر در سراسر دنیا غالب شود، بی تردید ریشه های ظلم و لیبرالیسم برچیده خواهد شد و این با منافع دنیای غرب در تضاد است. حالا شاید بهتر بتوانیم در تک کیم چرا در مدارس و دانشگاه های کشور فرانسه دختران محجبه راهی ندارند یا چرا در کشور آذربایجان دختران دانش آموز مسلمان محجبه از حضور در مدارس و ادامه تحصیل منع می شوند یا در ایران انواع و اقسام پروژه ها برای برداشتن حجاب از سر زن مسلمان ایرانی اجرایی می شود از ن مسلمانان با حجابش می تواند پایه های ظلم حکومت غرب را به سختی بلرزاند. پس برای ماندگاری این ظلم، برای اسلامهراسی و اسلام ستیزی فقط کافی است حجاب را از سر زن مسلمان بردارند.